

بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی

(مورد مطالعه: معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد، سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰)

فاطمه فتاحی^۱ منصور ترکیان‌تبار^{۲*}

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ صورت گرفت. روش پژوهش به صورت توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد به تعداد ۴۸۹ می‌باشد که براساس جدول کرجسی مورگان حجم نمونه برابر ۲۱۴ نفر برآورد گردید. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد هوش هیجانی کلمن (۱۹۲۰) و خلاقیت تورنس (۱۹۷۹) و پرسشنامه محقق‌ساخته نوآوری در طراحی برنامه درسی ابتدایی استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها نیز از آزمون پیرسون و رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین ابعاد هوش هیجانی (شامل خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیختگی، همدلی و انعطاف‌پذیری) با نوآوری در طراحی برنامه درسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین ابعاد ۴گانه خلاقیت (شامل سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط ایده) با نوآوری در طراحی برنامه درسی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، خلاقیت، برنامه درسی، نوآوری، طراحی برنامه درسی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران. fatmhftahy0@gmail.com
^۲ گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد دورود، دانشگاه آزاد اسلامی، دورود، ایران (نویسنده مسئول) torkiantabar@yahoo.com

مقدمه

هوش هیجانی در اواخر قرن بیستم به عنوان یک عامل مؤثر و اثرگذار بر تفکر و نگرش نیروی کار مورد بررسی قرار گرفت. هوش هیجانی یا هوش غیرشناختی به مفهوم توانایی افراد در کنترل احساسات و هیجانات خود و دیگران می باشد (سمیعی زفر قندی، ۱۳۹۶)؛ در واقع هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از هیجانات و توانمندی‌هایی است که به فرد کمک می‌کند تا بتواند در برابر عوامل و فشارهای محیطی پاسخی مناسب ارائه دهد. همچنین سبب عملکرد بهتر فرد در حیطه خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، مدیریت رابطه و خودمدیریتی می‌شود (سالاری پور و همکاران، ۱۳۹۷). کسب مهارت‌های متنوع در دنیای در حال تغییر کنونی از ضروریات زندگی است؛ این مسئله از طریق آموزش هوش موفق که دربرگیرنده مهارت‌های تفکر تحلیلی، خلاق و عملی است، قابل حصول می‌باشد. خلاقیت نیز به عنوان یکی از اهداف شناختی نظام‌های آموزشی با برنامه آموزش هوش موفق تقویت می‌شود (قبادی و همکاران، ۱۴۰۰). بی‌شک تفکر خلاق و خلاقیت در نظام آموزشی کشورها و در تمام فرایندها و زیرسیستم‌های این نظام‌ها از جمله برنامه‌های درسی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به نوعی تمام ابعاد و جنبه‌های دیگر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان را دربرگرفته و میزان موفقیت و دستاوردهای آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هتزرانی و همکاران^۱ به نقل از قبادی و همکاران، ۱۴۰۰). چنانچه گلمن (۱۹۹۸) می‌گوید «هوش هیجانی یعنی توانایی شناخت، درک و تنظیم هیجانات و استفاده از آن‌ها در زندگی که زمینه برانگیختن افراد در روابط با دیگران را فراهم می‌سازد»؛ لذا هوش هیجانی می‌تواند در بهبود انتخاب افراد برای مقاصد متفاوت حرفه‌ای، تصمیم‌گیری، ایجاد انگیزش، رهبری بهتر و حل تعارضات بین فردی و رفتارهای غیرطبیعی در محل کار برای افراد، صاحب‌نظران و گروه‌های مسئول در طراحی برنامه‌های درسی دارای نقش مؤثری باشد. قابل ذکر است افراد خلاق و صاحبان اندیشه می‌توانند با ارائه مستمر ایده‌ها، برنامه‌ها و روش‌های نوین آموزشی به کمک معلمان و سایر دست‌اندرکاران نظام آموزشی را در طراحی برنامه‌های درسی متناسب نیازهای شناختی، عاطفی و اجتماعی آیند؛ زیرا افراد خلاق دارای فرایند تفکری هستند که می‌توانند مسئله‌ها را به گونه‌ای مفید و بدیع حل کنند. به باور جرج سیدل، افراد خلاق دارای توانایی ربط‌دادن و وصل کردن موضوعات متفاوت صرف نظر از اینکه در چه حوزه یا زمینه‌ای انجام گیرند، می‌باشند (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۵).

یکی از وظایف و فرایندهای اصلی در چرخه منابع انسانی، توسعه منابع انسانی است که به مسائلی مانند ایجاد یک سازمان پویا، استفاده از فرصت‌های آموزش و پرورش و یادگیری کارکنان به منظور بهبود عملکرد سازمانی، گروهی و فردی می‌پردازد. فعالیت‌های توسعه منابع سازمانی شامل طراحی و ارائه آموزش، پرورش و توسعه برای بهبود اثربخشی سازمانی می‌باشد. بر این اساس توسعه منابع انسانی را می‌توان فرایند توسعه و برانگیختن تخصص‌های انسانی از طریق توسعه سازمانی، آموزش کارکنان و توسعه به منظور عملکرد تعریف کرد؛ زیرا توسعه منابع انسانی فرایند یا فعالیتی کوتاه‌مدت یا بلندمدت به منظور توسعه دانش، تخصص، بهره‌وری و رضایت کاری در سطوح متفاوت فردی، تیمی، سازمانی یا ملی می‌باشد (باتمن^۲، ۲۰۱۸).

¹ Hetzroni, Agada & Leikin

² Bateman

«هوش هیجانی» عبارت است از احساسی یا عاطفی شامل شناخت، کنترل عواطف و هیجان‌های فرد. این مفهوم، اصطلاح فراگیری است و مجموعه گسترده‌ای از مهارت‌ها و خصوصیات فردی را در بر گرفته که به‌طور معمول به‌عنوان مهارت‌های درون‌فردی و بین‌فردی شناخته می‌شوند؛ مهارت‌هایی فراتر از دایره مشخصی از دانش‌های پیشین، مانند بهره‌هوشی و مهارت‌های فنی یا حرفه‌ای (بقایی و همکاران، ۱۳۹۹). هوش هیجانی شامل توانایی‌هایی مانند این است که فرد بتواند انگیزه‌های خود را حفظ نماید، در مقابل ناملازمات پایدار باشد، واکنش‌های خود را کنترل کند و کامیابی را به‌تعویق بیندازد. هوش هیجانی در راستای سلامت فردی بوده و در کلیه مناسبات انسانی مؤثر و سودمند است؛ به‌ویژه برای مشاغلی که مستلزم روابط و تأثیرگذاری بیشتری هستند.

«هوش هیجانی» از دیدگاه گلمن (۱۹۹۵) دارای ۵ مؤلفه به‌شرح ذیل است:

- ۱) خودآگاهی: درک عمیق و روشن از احساسات، هیجانات، نقاط ضعف و قوت، نیازها و سلیق خود. افرادی که از هشیاری بالایی برخوردارند، می‌دانند چرا و به‌چه‌میزان مدیریت و رهبری را به‌عهده گرفته‌اند.
- ۲) خودمهارگری یا مدیریت خود: همچنان که ما آگاهی خود را در مورد احساسات، هیجانات و اثرات آنها افزایش می‌دهیم، می‌توانیم توانایی خود را در جهت کنترل آنها بهبود بخشیم.
- ۳) مهارت‌های اجتماعی: مهارت‌های اجتماعی یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی می‌باشد که شامل توانایی ما برای مدیریت روابط با خود و دیگران است.
- ۴) خودانگیختگی: خودانگیختگی زبان سائق پیشرفت و کوششی است در جهت رسیدن به حدی مطلوب از فضیلت. افرادی دارای این خصیصه، همواره در کارهای خود نتیجه‌محور می‌باشند.
- ۵) همدلی: کسانی که در حوزه‌های مختلف زندگی با دیگران همدلی می‌کنند، دارای توانایی برقراری ارتباط برپایه اعتماد می‌باشند. مهارت همدلی، افراد را در حیطه‌های آموزش حرفه‌ای و مدیریت، توانمند می‌سازد.

«خلاقیت»، فرآیندی دربرگیرنده تفکر و واکنش است که انسان با تجارب گذشته‌اش ارتباط برقرار می‌کند تا مجموعه منحصربه‌فرد واکنش شکل دهد (فتحی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). خلاقیت به‌معنای خلق و آفرینش اندیشه‌ها، ایده‌ها، افکار نو و بدیع، متفاوت نگرستن، کشف و ابداع راه‌حل‌های جدید برای حل یک مسئله است. امروزه ثابت‌شده بر خلاف باور بسیاری که ابداع و خلاقیت را خصوصیت ذاتی افراد می‌دانند، این استعداد در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد. همچنین می‌توان آن را با کاربرد اصول و فنون معین و ایجاد محیطی مناسب پرورش داد. ویسبرگ^۱ معتقد می‌باشد خلاقیت یعنی توانایی حل مسائلی که فرد قبلاً حل آن‌ها را نیاموخته است. (شیخ مونس و همکاران، ۱۳۸۹). یکی از راه‌هایی که سازمان‌ها می‌توانند به کمک آن باعث افزایش خلاقیت کارکنان شوند عبارت است از سرمایه‌گذاری بر خلاقیت کارکنان. سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد کارکنان خلاق، محصولات و خدمات بهتری ارائه نمایند که درنهایت منجر به بهبود عملکرد سازمان می‌شود (مقیم و همکاران، ۱۳۸۶). آگاهی معلمان و مربیان آموزشی در شناسایی علایق و زمینه‌های رشد خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان بسیار مثمر می‌باشند؛ زیرا اگر این نیرو با بی‌توجهی روبه‌رو گردد، آموزش و پرورش هر روز ضعیف‌تر خواهد شد (دائی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶).

¹ Visbarg

«خلاقیت» از دیدگاه تورنس دارای ۴ مؤلفه به شرح ذیل است (اسکندری، ۱۳۹۵: ۴۳):

- ۱) سیالی سرعت تولید ایده: سیالی یک فرایند بازایی است که عناصر پایگاه دانش در آن به یاد آورده می‌شوند.
- ۲) انعطاف‌پذیری: فرایند انعطاف‌پذیری عبارت است از گشودگی برابر تنوع اطلاعات در بررسی مقوله‌ها در دامنه‌های معنایی متفاوت.
- ۳) اصالت (ابتکار): اصالت به معنای غیرمتعارف بودن ایده و ابتکار در عین حال مفید بودن آن می‌باشد.
- ۴) بسط ذهنی: بسط ذهنی به معنای جزئیات اضافه‌شده ایده‌ها در زمان محدود می‌باشد.

«آموزش»، فرآیندی است با هدف تربیت فارغ‌التحصیلان شایسته. یک برنامه آموزشی یا همان برنامه درسی، برای تربیت فارغ‌التحصیلان شایسته مورد نیاز سازمان‌ها می‌باشد. «برنامه درسی» عبارت است از کلیه مواد و تجربیاتی که در طول انجام فرآیند آموزش در مدرسه به دانش‌آموزان ارائه می‌شوند. به عبارت دیگر فرآیند ارائه کلیه مطالب و تجربیات به دانش‌آموزان را اجرای برنامه درسی می‌نامند. هرچه کیفیت اجرای برنامه درسی بهتر باشد، فارغ‌التحصیلان مدارس دارای کیفیت تحصیلی بهتری می‌باشند (ایسبانتی^۱، ۲۰۱۹).

«نوآوری»، فرایند کسب اندیشه‌های خلاق و تبدیل آن به محصول و خدمت یا یک روش عملیاتی مفید است. با توجه به اهمیت پویایی نظام آموزشی، نوآوری در طراحی برنامه‌های درسی به منظور بهبود راهکارهای انتقال مطالب و مفاهیم درسی به دانش‌آموزان، ضرورتی غیرقابل‌انکار است. استفاده از طرح‌ها و ایده‌های نوآورانه در طراحی برنامه درسی سبب می‌شود تا معلمان با شناخت و آگاهی بیشتر نسبت به نیازها و ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان برای تحقق اهداف آموزشی تلاش کنند همچنین با توجه به تغییر و تحولاتی که در تعلیم و تربیت نوین صورت گرفته، انتقال مفاهیم و مطالب درسی صرفاً مبتنی بر رئوس مطالب تدوین‌شده درسی نیست؛ بلکه معلم باید فراتر از آنچه نظام آموزشی تعریف می‌کند، از روش‌های خلاقانه و نوآورانه برای انتقال مفاهیم و مطالب درسی به دانش‌آموزان خود استفاده کند. از این طریق فرصت‌های بهتر و مطلوب‌تری برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌شود. در این راستا بهره‌گیری معلمان از هوش هیجانی و خلاقیت می‌تواند تأثیر مهم و به‌سزایی در طراحی برنامه درسی به لحاظ نوآوری داشته‌باشد.

کوهلر و همکاران^۲ (۲۰۱۵) معتقد هستند که تغییرات اخیر آموزشی در کشورهای متفاوت باعث ایجاد ارتباط «نوآوری‌های آموزشی» با شایستگی‌های بین‌برنامه‌ای مانند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، مهارت‌های فراشناختی، استدلال و تفکر خلاق شده‌اند. تغییرات سریع محیط در دهه‌های اخیر، سازمان‌ها را در معرض تحولات سریع و پیش‌بینی‌نشده قرار داده‌اند. رقابت فزاینده جهانی، توسعه و گسترش تکنولوژی اطلاعات، تغییرات در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نیروی انسانی و مشتریان در مرکز تغییرات مذکور قرار دارند. با توجه به اینکه نیروی انسانی از مهم‌ترین منابع هر سازمانی است؛ لذا اگر این نیروها از هوش بالایی برخوردار باشند و استعداد و مهارت خود را در خدمت سازمان به‌کارگیرند، می‌توانند نقش مهمی در افزایش بهره‌وری سازمان ایفا کنند.

¹ Isbianti

² Kohler et al

محققان طی بررسی در چندین سازمان، متوجه شدند سازمان‌هایی که کارکنان آن‌ها رفتار اخلاقی دارند نسبت به سازمان‌هایی که کارکنان آن‌ها رفتارهای غیراخلاقی و مخرب دارند، دارای شانس موفقیت بیشتری می‌باشند (علیزاده، ۱۳۹۸).

قربانی قهفرخی و اسلامی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین هوش هیجانی و خودکارآمدی معلمان تربیت‌بدنی شهر بندرعباس» نتیجه گرفتند که بین هوش هیجانی (خودآگاهی، مهارت‌های اجتماعی و درک عواطف خود) با خودکارآمدی در معلمان تربیت‌بدنی شهر بندرعباس، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مشخص شد که ۲۷/۳ درصد از تغییرات واریانس متغیر خودکارآمدی توسط ابعاد هوش هیجانی (خوش‌بینی، خودآگاهی، درک عواطف خود و مهارت‌های اجتماعی) تبیین می‌شود؛ لذا هوش هیجانی و خودکارآمدی بالای معلمان برای بهره‌برداری از فرصت‌های اندک و استفاده از روش‌های خلاقانه می‌تواند برای پیشبرد اهداف تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش بسیار مهم و مؤثر باشند.

سلطانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به «بررسی اثربخشی برنامه درسی هیجان‌محور پیش‌دبستانی بر هوش هیجانی کودکان ۴ تا ۶ سال در شهر اصفهان» پرداختند. نتایج نشان دادند که اجرای برنامه بر افزایش نمره کل هوش هیجانی کودکان مؤثر بود. در سنجش مهارت خودآگاهی و همدلی با اختلاف زیاد و در مهارت اجتماعی با اختلاف کم، گروه آزمایش نسبت تفاوت معناداری را نشان دادند. همچنین تفاوت معناداری بین مهارت انگیزش و خودتنظیمی در ۲ گروه مشاهده نشد. نتایج پژوهش مذکور بر اهمیت توجه به ابعاد عاطفی و هیجانی در برنامه‌های آموزشی و لزوم تدوین و اجرای برنامه‌های مشابه برای دیگر مقاطع تحصیلی تأکید دارد.

اردکانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی برنامه درسی پژوهش‌محور در مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی برای پرورش تفکر و خلاقیت در دانش‌آموزان» نشان دادند که براساس مؤلفه‌هایی استخراجی، اکثر صاحب‌نظران اذعان داشتند که اهداف و محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی براساس رویکرد پژوهش‌محوری باید ویژگی‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، کنجکاوی، فعالیت‌محور بودن، خودرهبری و خلاقیت داشته باشند. همچنین با اتکا به مبانی نظری و تجربیات کشورهای پیشرو، روش‌های تدریس و ارزشیابی پیشنهاد شدند.

سمیعی زفرقندی (۱۳۹۶) در پژوهشی به «بررسی رابطه برنامه درسی پنهان با هوش هیجانی دانش‌آموزان» پرداخت. نتایج نشان دادند که از مؤلفه‌های مورد مطالعه برنامه درسی پنهان به جز قوانین و مقررات، ۳ مؤلفه روش‌های تدریس، روش‌های ارزشیابی و تعامل معلمان و دانش‌آموزان با هوش هیجانی دانش‌آموزان دارای رابطه مثبت و معناداری هستند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود محتوای مؤلفه‌های درون‌فردی هوش هیجانی در کتب درسی بخوانیم دوره ابتدایی با تأکید بر دیدگاه بار-آن را مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. نتایج نشان دادند با افزایش حجم محتوای کتاب درسی (به جز پایه ششم)، میزان توجه محتوا به عوامل درون‌فردی هوش هیجانی افزایش یافته؛ به گونه‌ای که میزان توجه در پایه اول به میزان ۹۸/۱٪، در پایه دوم به میزان ۳۳/۹٪، در پایه سوم به میزان ۲۴/۱۸٪، در پایه چهارم به میزان ۶۷/۱۸٪، در پایه پنجم به میزان ۱۱/۳۱٪ و در پایه ششم به میزان ۶۵/۲۰٪ بود. بیشترین میزان توجه به عامل

خودشکوفایی و کمترین توجه به عامل جرئتمندی بود؛ لذا به برخی از مؤلفه‌ها کمتر توجه شد. با توجه به نظریه‌هایی مانند منطقه تقریبی رشد، پیشنهاد می‌شود تا حدی به تمام مؤلفه‌ها در هر پایه تحصیلی پرداخته شود.

یوسف‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «طراحی برنامه درسی براساس مهارت‌های فکری» نشان داد که طراحی برنامه درسی نیازمند تفکر خلاق و تفکر انتقادی می‌باشد.

تقوایی یزدلی و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارتباط وضعیت برنامه درسی با هوش هیجانی؛ دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه یزد» نتیجه گرفتند که برنامه درسی قابلیت تأثیر بر هوش هیجانی را دارد.

فلاحی و رستمی (۱۳۹۱) در «بررسی نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان مدارس راهنمایی» به این نتیجه رسیدند که بین ۲ متغیر یادشده، رابطه‌ای مثبت وجود دارد که حتی با کنترل متغیرهای سن، جنس و تحصیلات معلمان، فاکتور هوش هیجانی قادر است با قدرت بالایی اثربخشی تدریس معلمان را پیش‌بینی نماید. همچنین رابطه مجزای هوش هیجانی با زیر مقیاس‌های تدریس اثربخش نشان داد که هوش هیجانی با عامل حمایت عاطفی و حمایت آموزشی به ترتیب بیشترین همبستگی و با زیرمقیاس سازماندهی کلاسی کمترین رابطه را دارد.

ناریان‌ها^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین خلاقیت و نوآوری در روش‌های آموزش و یادگیری با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در موسسه آموزش عالی خصوصی مالزی» نتیجه گرفت که روش‌های تدریس خلاق و نوآورانه، مفهوم خاصی را برای دانش‌آموزان روشن می‌کنند. همچنین باعث علاقه‌مندی آن‌ها نسبت به دانستن دقیق مفاهیم و ایجاد حافظه طولانی مدت می‌شوند.

لاکمن (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «نقش خلاقیت در طراحی برنامه درسی» نشان داد که خلاقیت معلمان سبب بهبود طراحی برنامه درسی می‌گردد.

دفاپیو و پالازچی^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی به «بررسی تأثیر هوش هیجانی بر خودکارآمدی دبیران دبیرستانی در ایتالیا» پرداخته‌اند. آن‌ها ضمن ملاحظه تأثیر کلی هوش هیجانی بر خودکارآمدی دبیران، تفاوت معناداری در هوش هیجانی با توجه به سن افراد مشاهده کردند. مردها در مقایسه با زنان نمره‌های بالاتر در بعد درون‌فردی هوش هیجانی کسب کردند؛ درحالی‌که زنان نمره‌های بالاتری در بعد بین‌فردی به دست آوردند.

شان^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی به «بررسی هوش هیجانی و خودکارآمدی در دبیران مدارس متوسطه در هنگ‌کنگ» پرداخت. نشان دادند که خودکارآمدی معلمان به وسیله بعد درون‌فردی، بهتر تعریف می‌شود. همچنین اشاره‌شده معلمان با خودکارآمدی پایین دارای هوش هیجانی کمتری هستند.

¹ Narayanan

² Defabio & Palazzeschi

³ Chan

با توجه به مطالب مذکور، هوش هیجانی با توجه نقش تأثیرگذار و مهمی که در برانگیختن معلمان برای برقراری روابط با یکدیگر در محیط‌های آموزشی، حل تعارضات و کمک به تصمیم‌گیری در طراحی، اجرا و ارزشیابی از برنامه‌های درسی دارد دارای اهمیت بسیاری جهت بررسی می‌باشد. از طرف دیگر معلمان برخوردار از خلاقیت به سبب توانایی در ارائه راه‌حل‌های نو و بدیع در حل مسائل آموزشی و برقراری ارتباط هم‌زمان، هماهنگ و سیستماتیک بین مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با برنامه‌های درسی می‌توانند در موفقیت نظام تعلیم و تربیت در دستیابی به اهداف مورد نظر دارای عملکرد بهتری باشند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال صورت گرفت که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی چگونه است؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ صورت گرفت. روش پژوهش به صورت توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد به تعداد ۴۸۹ می‌باشد که براساس جدول کرجسی مورگان حجم نمونه برابر ۲۱۴ نفر برآورد گردید. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش از پرسشنامه‌های استاندارد هوش هیجانی کلمن (۱۹۲۰) و خلاقیت تورنس (۱۹۷۹) و پرسشنامه محقق‌ساخته نوآوری در طراحی برنامه درسی ابتدایی استفاده شد. استفاده از پرسشنامه خلاقیت تورنس ۴ مولفه سیالی ذهن، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط ایده مورد سنجش قرار گرفتند همچنین با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی کلمن ۵ مولفه خودآگاهی، خودانگیختگی، خودتنظیمی، مهارت‌های اجتماعی و همدلی مورد سنجش قرار گرفتند. جهت تحلیل داده‌ها نیز از آزمون پیرسون و رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد. پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش و دسته‌بندی آن‌ها، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS24 تجزیه و تحلیل شدند. برای تعیین توزیع نرمال داده‌ها از فرمول کلموگروف-اسمیرنف و برای تعیین پایایی ابزارهای گردآوری داده‌ها از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شد. با توجه به توزیع نرمال داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش به شرح با استفاده از آزمون پیرسون مورد بررسی قرار گرفتند.

فرضیه‌های اصلی:

- ۱) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۲) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین مؤلفه‌های خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین خودآگاهی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۲) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین خودتنظیمی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۳) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین خودانگیختگی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۴) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین همدلی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۵) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین مهارت‌های اجتماعی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۶) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین سیالی ذهن با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۷) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین انعطاف‌پذیری با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۸) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین ابتکار با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.
- ۹) از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین بسط ایده با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه وجود دارد.

یافته‌ها

نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش در جدول شماره (۱) ارائه شده‌اند:

جدول ۱: ضریب همبستگی بین هوش هیجانی و خلاقیت فردی با نوآوری در طراحی برنامه درسی

نوآوری در طراحی برنامه درسی			متغیر	
مقدار. sig	تعداد (N)	ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۳۱۵	هوش هیجانی	فرضیه اصلی اول
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۴۴۸	خلاقیت فردی	فرضیه اصلی دوم

بر اساس آمار و ارقام جدول شماره (۱) همبستگی بین هوش هیجانی با نوآوری در طراحی برنامه درسی برابر با ۰/۳۱۵ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری برآورده شده که برابر ۰/۰۰۱ است، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین هوش هیجانی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین همبستگی بین خلاقیت فردی با نوآوری در طراحی برنامه درسی برابر با ۰/۴۴۸ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری برآورده شده که برابر ۰/۰۰۱ است، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که بین خلاقیت فردی با طراحی در نوآوری برنامه درسی نیز رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش در جدول شماره (۲) ارائه شده‌اند:

جدول ۲: ضریب همبستگی بین فرضیه‌های فرعی با نوآوری در طراحی برنامه درسی

نوآوری در طراحی برنامه درسی			متغیر	
مقدار. sig	تعداد (N)	ضریب همبستگی پیرسون		
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۴۶۵	خودآگاهی	فرضیه فرعی اول
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۵۱۴	خودتنظیمی	فرضیه فرعی دوم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۶۲۲	خودانگیزگی	فرضیه فرعی سوم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۶۴۱	همدلی	فرضیه فرعی چهارم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۴۱۵	مهارت‌های اجتماعی	فرضیه فرعی پنجم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۲۸۶	سیالی ذهن	فرضیه فرعی ششم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۳۹۸	انعطاف‌پذیری	فرضیه فرعی هفتم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۴۳۰	ابتکار	فرضیه فرعی هشتم
۰/۰۰۱	۲۱۴	۰/۵۶۲	بسط ایده	فرضیه فرعی نهم

براساس آمار و ارقام جدول شماره (۲) همبستگی زیرمتغیرهای خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزگی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی از عناصر هوش هیجانی با نوآوری در طراحی برنامه درسی به ترتیب برابر با ۰/۴۶۵، ۰/۵۱۴، ۰/۶۲۲، ۰/۶۴۱ و ۰/۴۱۵ می‌باشند. با توجه به سطح معناداری برآورده شده که برابر ۰/۰۰۱ است، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین هریک از مؤلفه‌های هوش هیجانی با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین چنانچه در جدول مذکور مشاهده می‌شود همبستگی زیرمتغیرهای سیالی ذهن، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط ایده از متغیر خلاقیت به ترتیب برابر با ۰/۳۹۸، ۰/۴۳۰ و ۰/۵۶۲ می‌باشند. با توجه به سطح معنادار برآورده شده که برابر با ۰/۰۰۱ است، در سطح اطمینان ۰/۹۹ درصد می‌توان ادعا کرد که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین هریک از مؤلفه‌های خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه درسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

پس از آنکه تمام مفروضات مربوط به رابطه میان ابعاد هوش هیجانی و خلاقیت فردی با در طراحی برنامه درسی معلمان زن در مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد مورد تأیید قرار گرفتند؛ به بررسی این سؤال پرداخته شد که از میان ابعاد هوش هیجانی (خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزگی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی) و ابعاد خلاقیت فردی (سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط ایده) کدام یک پیش‌بینی‌کننده بهتری برای طراحی برنامه درسی معلمان زن در مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد است؟ جهت بررسی این سؤال از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام به شرح جدول شماره (۳) استفاده گردید.

جدول ۳: ضریب همبستگی (R)، ضریب تعیین (R^2) و آزمون معناداری (sig)

مراحل تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	خطای استاندارد	آماره F	سطح معناداری
مرحله اول	۰/۳۸۱	۰/۰۱۴	۱/۳۵	۱۷/۳۵۶	P=۰/۰۰۱
مرحله دوم	۰/۳۳۳	۰/۰۱۶	۱/۶۲	۱۱/۸۹۹	P=۰/۰۰۱
مرحله سوم	۰/۱۵۳	۰/۰۱۸	۱/۳۳	۷/۳۲۱	P=۰/۰۰۱
مرحله چهارم	۰/۱۴۷	۰/۰۲۲	۱/۸۵	۴/۸۷۵	P=۰/۰۰۱

نتایج جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که معادله رگرسیونی در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($p < ۰/۰۱$)؛ به عبارت دیگر برازش مدل رگرسیونی مناسب می‌باشد. در مرحله اول، بعد بسط ایده به تنهایی حدود ۱۴ درصد واریانس نوآوری در طراحی برنامه درسی را تبیین می‌کند ($R^2 = ۰/۰۱۴$, $F = ۱۷/۳۵۶$, $P < ۰/۰۰۱$). در مرحله دوم با ورود بعد ابتکار میزان واریانس تبیین شده به ۱۶ درصد افزایش می‌یابد ($R^2 = ۰/۰۱۶$, $F = ۱۱/۸۹۹$, $P < ۰/۰۰۱$). در مرحله سوم با ورود بعد انعطاف‌پذیری میزان واریانس تبیین شده به ۱۸ درصد افزایش می‌یابد ($R^2 = ۰/۰۱۸$, $F = ۷/۳۲۱$, $P < ۰/۰۰۱$). در مرحله چهارم نیز با ورود بعد سیالی میزان واریانس تبیین شده به ۲۱ درصد افزایش می‌یابد ($R^2 = ۰/۰۲۱$, $F = ۴/۸۷۵$, $P < ۰/۰۰۱$).

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد و آماره‌های آزمون معناداری مربوطه

مراحل تحلیل	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	آماره t	سطح معناداری
		B	خطای استاندارد			
مرحله اول	مقدار ثابت	۶/۲۰۱	۰/۸۱۲	-	۸/۰۰۹	P=۰/۰۰۱
	بسط ایده	۰/۴۹۴	۰/۱۲۳	۰/۲۶۱	۳/۱۹۶	P=۰/۰۰۱
مرحله دوم	مقدار ثابت	۰/۶۹۱	۰/۸۵۳	-	۴/۶۹۰	P=۰/۰۰۱
	بسط ایده	۰/۴۰۱	۰/۱۳۴	۰/۲۲۳	۲/۳۵۹	P=۰/۰۰۱
مرحله سوم	ابتکار	۰/۲۳۳	۰/۱۲۷	۰/۱۹۰	۲/۸۹۱	P=۰/۰۰۱
	مقدار ثابت	۰/۵۹۱	۰/۷۱۸	-	۲/۶۴۵	P=۰/۰۰۱
	بسط ایده	۰/۳۲۸	۰/۱۴۲	۰/۱۹۸	۱/۲۳۰	P=۰/۰۰۱
مرحله چهارم	ابتکار	۰/۲۶۱	۰/۱۵۴	۰/۱۶۶	۱/۰۱۹	P=۰/۰۰۱
	انعطاف‌پذیری	۰/۲۱۷	۰/۱۴۸	۰/۱۴۱	۱/۶۲۸	P=۰/۰۰۱
	مقدار ثابت	۰/۵۴۸	۰/۶۳۹	-	۲/۴۶۸	P=۰/۰۰۱
	بسط ایده	۰/۳۱۸	۰/۱۲۴	۰/۱۸۹	۱/۲۲۱	P=۰/۰۰۱
مرحله چهارم	ابتکار	۰/۲۴۹	۰/۱۳۸	۰/۱۷۱	۰/۸۹۹	P=۰/۰۰۱
	انعطاف‌پذیری	۰/۲۰۲	۰/۱۱۹	۰/۱۳۲	۰/۷۸۹	P=۰/۰۰۱
	سیالی	۰/۱۹۶	۰/۱۲۸	۰/۱۱۸	۰/۷۵۶	P=۰/۰۰۱

براساس نتایج جدول شماره (۴) بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های نوآوری در طراحی برنامه درسی عبارت‌اند از بسط ایده، ابتکار، انعطاف‌پذیری و سیال. براساس ضرایب بتا (β)، به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد بسط ایده، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۸۹ واحد و به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد ابتکار، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۷۱ واحد افزایش می‌یابد. همچنین به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد انعطاف‌پذیری، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۳۲ واحد افزایش می‌یابد و به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد سیالی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۱۸ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ۵: ضریب همبستگی (R)، ضریب تعیین (R^2) و آزمون معناداری (sig)

مرحلہ تحلیل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	خطای استاندارد	آماره F	سطح معناداری
مرحلہ اول	۰/۳۵۳	۰/۰۱۰	۱/۲۵	۱۵/۳۵۸	$P=۰/۰۰۱$
مرحلہ دوم	۰/۳۲۱	۰/۰۱۳	۱/۳۲	۱۰/۸۰۰	$P=۰/۰۰۱$
مرحلہ سوم	۰/۱۳۸	۰/۰۱۵	۱/۱۳	۸/۱۱۱	$P=۰/۰۰۱$
مرحلہ چهارم	۰/۱۳۱	۰/۰۱۸	۱/۲۵	۵/۲۲۰	$P=۰/۰۰۱$
مرحلہ پنجم	۰/۱۲۶	۰/۰۲۳	۱/۱۰	۴/۱۸۰	$P=۰/۰۰۱$

نتایج جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که معادله رگرسیونی در سطح ۰/۰۱ معنادار است ($p < ۰/۰۱$)؛ به عبارت دیگر برازش مدل رگرسیونی مناسب می‌باشد. در مرحله اول، بعد خود‌انگیزی به‌تنهایی حدود ۱۰ درصد واریانس نوآوری در طراحی برنامه درسی را تبیین می‌کند ($R^2=۰/۰۱۰$, $F=۱۵/۳۵۸$, $P<۰/۰۰۱$). در مرحله دوم با ورود بعد خودکنترلی میزان واریانس تبیین‌شده به ۱۳ درصد افزایش می‌یابد ($R^2=۰/۰۱۳$, $F=۱۰/۸۰۰$, $P<۰/۰۰۱$). در مرحله سوم با ورود بعد خودآگاهی میزان واریانس تبیین‌شده به ۱۵ درصد افزایش می‌یابد ($R^2=۰/۰۱۵$, $F=۸/۱۱۱$, $P<۰/۰۰۱$). در مرحله چهارم با ورود بعد هوشیاری اجتماعی میزان واریانس تبیین‌شده به ۱۸ درصد افزایش می‌یابد ($F=۵/۲۲۰$, $P<۰/۰۰۱$). در مرحله پنجم نیز با ورود بعد مهارت اجتماعی میزان واریانس تبیین‌شده به ۲۳ درصد افزایش می‌یابد ($R^2=۰/۰۱۸$, $F=۴/۱۸۰$, $P<۰/۰۰۱$).

جدول ۶: ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد و آماره‌های آزمون معناداری مربوطه

سطح معناداری	آماره t	ضرایب غیراستاندارد		متغیرهای پیش‌بین	مراحل تحلیل
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد		
P= ۰/۰۰۱	۹/۰۲۹	-	۰/۷۱۲	۵/۱۰۱	مرحله اول
P= ۰/۰۰۱	۳/۱۴۴	۰/۲۶۱	۰/۱۵۳	۰/۴۱۱	
P= ۰/۰۰۱	۴/۶۲۰	-	۰/۸۴۳	۰/۵۵۷	مرحله دوم
P= ۰/۰۰۱	۲/۱۲۵	۰/۲۲۳	۰/۱۳۱	۰/۴۱۱	
P= ۰/۰۰۱	۲/۷۸۲	۰/۱۹۰	۰/۱۲۱	۰/۲۳۰	
P= ۰/۰۰۱	۲/۵۳۲	-	۰/۷۱۴	۰/۵۸۹	مرحله سوم
P= ۰/۰۰۱	۱/۲۸۱	۰/۱۹۸	۰/۱۴۵	۰/۳۲۴	
P= ۰/۰۰۱	۱/۱۱۵	۰/۱۶۶	۰/۱۴۱	۰/۲۵۹	
P= ۰/۰۰۱	۱/۶۱۸	۰/۱۴۱	۰/۱۴۰	۰/۲۱۰	
P= ۰/۰۰۱	۲/۳۲۸	-	۰/۶۳۲	۰/۵۳۴	مرحله چهارم
P= ۰/۰۰۱	۱/۴۴۱	۰/۱۶۶	۰/۱۲۱	۰/۳۱۰	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۸۸	۰/۱۵۷	۰/۱۳۵	۰/۲۴۱	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۶۹	۰/۱۴۲	۰/۱۱۶	۰/۲۰۱	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۴۳	۰/۱۰۸	۰/۱۲۳	۰/۱۸۵	
P= ۰/۰۰۱	۲/۲۹۸	-	۰/۶۰۹	۰/۵۱۸	مرحله پنجم
P= ۰/۰۰۱	۱/۳۲۱	۰/۱۵۳	۰/۱۱۶	۰/۲۹۸	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۶۵	۰/۱۵۰	۰/۱۲۸	۰/۲۳۲	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۲۳	۰/۱۴۶	۰/۱۱۲	۰/۲۲۱	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۲۲	۰/۱۴۰	۰/۱۱۵	۰/۱۹۵	
P= ۰/۰۰۱	۰/۷۰۱	۰/۱۳۳	۰/۱۱۴	۰/۱۸۲	

براساس نتایج جدول شماره (۶) بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های نوآوری در طراحی برنامه درسی عبارت‌اند از خود انگیزی، خودکنترلی، خودآگاهی، هوشیاری اجتماعی و مهارت اجتماعی. براساس ضرایب بتا (β)، به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد خود انگیزی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۵۳ واحد افزایش می‌باشد. به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد خودکنترلی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۵۰ واحد افزایش می‌یابد. به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد خودآگاهی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۴۶ واحد افزایش می‌یابد. به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد هوشیاری اجتماعی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۴۰ واحد افزایش می‌یابد. به‌ازای یک واحد افزایش در انحراف استاندارد بعد مهارت اجتماعی، میزان نوآوری در طراحی برنامه درسی ۰/۱۳۳ واحد افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت با نوآوری در طراحی برنامه‌دستی از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ صورت گرفت. پژوهش حاضر مبتنی بر ۲ فرضیه اصلی و ۹ فرضیه فرعی می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش نشان دادند که از دیدگاه معلمان زن مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد بین هوش هیجانی و ابعاد ۵ گانه آن (خودآگاهی، خودتنظیمی، خودانگیزختگی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی) و خلاقیت و ابعاد ۴ گانه آن (سیالی ذهن، انعطاف، ابتکار و بسط) با نوآوری در طراحی برنامه‌دستی رابطه مثبت و معنادار وجود دارند. این نتیجه با نتایج حاصل از پژوهش‌های قربانی قهفرخی و اسلامی (۱۳۹۸)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۷)، اردکانی و همکاران (۱۳۹۶)، سمیعی زفرقندی (۱۳۹۶)، حسنی و همکاران (۱۳۹۶)، یوسف زاده (۱۳۹۴)، یزدلی و همکاران (۱۳۹۲)، فلاحی و رستمی (۱۳۹۱)، نارایان‌ها (۲۰۱۷)، لاکمن (۲۰۱۰)، دفایو و پالازچی (۲۰۰۸) و شان (۲۰۰۴) که هوش هیجانی، خلاقیت و سایر توانایی‌های فردی معلمان را با نوآوری در طراحی برنامه‌دستی مرتبط دانسته‌اند همسو می‌باشد.

امروزه هوش هیجانی یکی از مباحث مهم و کاربردی در فعالیتهای فردی، سازمانی و زندگی اجتماعی است که بسیار مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف قرار دارد. این مفهوم همچنین در حرفه معلمی نیز اهمیت دوچندان یافته‌است. طراحی برنامه‌دستی برای دستیابی به اهداف آموزشی یکی از مهم‌ترین وظایف شغلی و حرفه‌ای یک معلم است که راه را برای موفقیت وی در فرآیند یاددهی و یادگیری افزایش می‌دهد. معلمان بنابر ماهیت شغلی خود، در بحث ارتباط و تعامل با دانش‌آموزان و در بحث طراحی برنامه‌دستی نیازمند مدیریت و کنترل احساسات و هیجانات خود هستند؛ به عبارت دیگر ضرورت ایجاد می‌کند که آن‌ها احساسات، عواطف و هیجانات خود را به‌درستی بشناسند و به‌گونه‌ای مدیریت کنند که بتوانند با بهره‌گیری از هوش هیجانی، کلاس درس و برنامه‌های درسی را برای دانش‌آموزان جذاب و هیجان‌انگیز نمایند. آشنایی معلمان با مقوله هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن، این پیامد مثبت را به دنبال دارد که نقش پررنگ‌تری در فرآیند آموزش داشته‌باشند؛ لذا می‌توانند به‌صورت کاملاً هدفمند، برنامه‌های درسی مورد نیاز را برای ارتقاء و افزایش یادگیری دانش‌آموزان به‌کارگیرند. برای تحقق به این مهم، آگاهی معلمان از فواید و ارزش‌های به‌کارگیری هوش هیجانی در طراحی برنامه‌دستی اهمیت دوچندان می‌یابد. در کنار هوش هیجانی که نقش مهم و به‌سزایی در مدیریت کلاس، انتقال اطلاعات به دانش‌آموزان و برقراری تعامل و ارتباط با دانش‌آموزان را دارد؛ نقش خلاقیت معلمان نیز در طراحی برنامه‌دستی غیرقابل‌انکار است. بدون تردید معلم خلاق کسی است که بتواند از قوه خلاق خود برای پیشبرد فعالیتهای آموزشی کلاس درس به بهترین شکل ممکن بهره‌گیرد. معلم خلاق می‌تواند با بهره‌گیری از توان ذهنی و کنجکاوی خود، شناخت بهتر و دقیق‌تری نسبت به دانش‌آموزان پیدا کند؛ از این طریق راهکارها و روش‌های متنوع و کارآمدی را برای تدریس و انتقال مطالب و مفاهیم درسی اتخاذ نماید و محیط کلاس را برای دانش‌آموزان جذاب و هیجان‌انگیز کند. خلاقیت معلم برای طراحی یک برنامه‌دستی پویا و کارآمد به او کمک می‌کند تا در تعیین و طراحی برنامه‌دستی، تمام ابعاد و جوانب از جمله امکانات و تجهیزات موجود، شرایط دانش‌آموزان و توانایی‌های آن‌ها را برای یادگیری مطلوب مورد توجه قرار دهد. با توجه به اهمیت برنامه‌دستی و اجرای آن و با توجه به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های صورت گرفته مشابه در داخل و خارج از کشور؛ برگزاری همایش‌هایی برای تشویق و تحریک بیشتر معلمان مبتکر و نوآور در سطح آموزشگاه، منطقه و سطوح بالاتر کشوری

پیشنهاد می‌گردد. همچنین افزایش آگاهی معلمان با برگزاری دوره‌های خودشناسی در زمینه تحمل شرایط عدم موفقیت در انجام فعالیت‌هایی که برای آن تلاش زیادی را متحمل شده‌اند، تقویت حضور فعالانه معلمان در گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و استفاده از نظرات آن‌ها نیز می‌تواند مثرتر باشد. در این راستا تشویق معلمان به شناخت بیشتر روش‌های متفاوت تدریس و طبقه‌بندی و بیان نقاط قوت و ضعف آن‌ها از جمله پیشنهاداتی است که می‌تواند راه را برای طراحی هرچه بهتر برنامه درسی و اجرای آن فراهم سازد.

فهرست منابع فارسی

- قبادی، لیلا و همکاران (۱۴۰۰)، تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش موفق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۱(۱)، ۶۶-۴۵.
- سالاری پور، سید مولود، مکتبی، غلامحسین، عالی پور بیرگانی، سیروس. (۱۳۹۹). رابطه هوش هیجانی و جهت‌گیری دینی با اضطراب مرگ در کارکنان مرد بازنشسته شرکت صنایع فولاد خوزستان شهر اهواز، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۲۳)، ۹۹-۱۱۷.
- علیزاده زهرا (۱۳۹۸)، رابطه هوش اخلاقی و هوش هیجانی با رفتار اخلاقی، فصلنامه اخلاق در علم و فناوری. ۱۳ (۲)، ۱۶۸-۱۷۴.
- قربانی قهفرخی، لیلا، اسلامی، صدیقه (۱۳۹۸)، رابطه بین هوش هیجانی و خودکارآمدی معلمان تربیت‌بدنی شهر بندرعباس، فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۸(۱)، ۶۸-۵۷.
- امامی نائینی، نسرین (۱۳۹۷)، خودآگاهی، تهران: نشر آبی.
- سلطانی، لیلا، میرشاه جعفری، سیدابراهیم، عابدی، محمدرضا (۱۳۹۷)، بررسی اثربخشی برنامه درسی هیجان محور پیش‌دبستانی بر هوش هیجانی کودکان چهار تا شش ساله اصفهان، فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۲۴-۱۰۸.
- اردکانی، راحله قاضی؛ ملکی، حسن؛ صادقی، علیرضا؛ درتاج، فریبرز. (۱۳۹۶). طراحی الگوی برنامه درسی پژوهش محوری در مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی برای پرورش تفکر و خلاقیت در دانش‌آموزان، فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۷(۳)، ۶۳-۱۰۶.
- سمیعی زفرقندی، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی رابطه برنامه درسی پنهان با هوش هیجانی دانش‌آموزان، فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۵ (۱)، ۱۱۰-۱۳۰.
- اسکندری، حسین (۱۳۹۵)، تأثیر مؤلفه‌های خلاقیت تورنس بر بازسازی دانش در شبکه حافظه معنایی به‌وسیله الگوریتم جست‌وجوی معنایی چندمحدودتی در آزمون تداعی‌های دور، فصلنامه تازه‌های علوم روان‌شناختی، ۱۸ (۳)، ۴۰-۵۵.
- حسینی، حسین، فیاض، ایراندخت، ملکی، حسن (۱۳۹۴) تحلیل محتوای مؤلفه‌های درون فردی هوش هیجانی در کتب درسی بخوانیم دوره ابتدایی با تأکید بر دیدگاه بار-آن، فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۲(۱)، ۴۵-۶۶.
- تقوایی یزدلی، زهرا؛ یزدخواستی، علی و رحیمی، حمید (۱۳۹۲). ارتباط وضعیت برنامه درسی با هوش هیجانی؛ دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه کاشان. فصلنامه راهبردهای آموزشی در علوم پزشکی، ۶ (۴)، ۲۱۹-۲۲۵.

- بقایی، مهدی، مدنی سربارانی، محمد، رهسپار، سمیه. (۱۳۹۱). هوش هیجانی (EQ) و کیفیت تدریس معلمان، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی.
- فلاحی، ویدا، رستمی، کاوه (۱۳۹۱) بررسی نقش هوش هیجانی در اثربخشی تدریس معلمان در مدارس راهنمایی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۱)، ۱۶۷-۱۸۸.
- فتحی زاده، علی؛ پاک طینت، اقبال؛ شهبان، محمدجواد (۱۳۹۰). بررسی میزان خلاقیت و نوآوری در سه اداره دولتی آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی و بهداشت و درمان شهرستان سیرجان و ارائه یک مدل پیشنهادی جهت افزایش خلاقیت و نوآوری در سازمان‌ها، فصلنامه مدیریت، سال هشتم، ویژه‌نامه، ۷۹-۹۴.
- شیخ مونس، فاطمه؛ شهسواری، محسن؛ جعفرزاده، عاطفه و خادم‌لو، محمد، (۱۳۸۹)، مقایسه بهره‌های هوشی و خلاقیت در افراد مبتلا به اختلال دو قطبی و فرزندان آن‌ها با گروه کنترل، مجله علوم پزشکی مازندران، دوره بیستم، شماره ۷۶، ۵۵-۶۰.
- دائی‌زاده، حسین جان، شریعتمداری، علی، نادری، عزت‌اله، سیف‌نراقی، مریم (۱۳۸۶) میزان آشنایی معلمان دوره متوسطه استان مازندران از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۲۴، ۱-۱۳.
- گلمن، دانیل (۲۰۰۸)، هوش عاطفی، ترجمه حمیدرضا بلوچ، تهران: انتشارات بهین دانش.
- مقیمی، سید محمد؛ رهبر، امیر حسین، اسلامی، حسن (۱۳۸۶). معنویت سازمانی و تأثیر آن در خلاقیت کارکنان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۳ و ۴، ۸۹-۹۸.

فهرست منابع انگلیسی

- Bateman TS & Organ DW. (2019). Job satisfaction and the good soldier: The relationship between affect and employee citizenship. *Academy of Management Journal*, (26), 7_32.
- Narayanan, S (2017), A Study on the Relationship between Creativity and Innovation in Teaching and Learning Methods towards Students Academic Performance at Private Higher Education Institution, Malaysia, *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, Vol. 7, Special Issue _ 4th International Conference on Educational Research and Practice.
- Kohler, A., Boissonnade, R. Giglio, M. (2015). From Innative Teacher Education to Creative Pedagogical Designs. *Teaching Innovation*. Vol. 28. Issue 3. 116_129
- Defabio, A & Palazzeschi, L. (2008). Emotional intelligence and Self_efficacy in A sample of Italian high school teachers. *Social behavior and Personality*, 36(3), 315_326
- Chan, D. W. (2004). Perceived emotional intelligence and self_efficacy among Chinese secondary school teachers in Hong Kong. *Personality and Individual Differences*, 36, 1781_1795.
- Golman, D. (1995) *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.